

- علم النفس -

بقیه از شماره قبل

مخّیح - یا دماغ کوچک - مخّیح در تحت دو نیمکره درماغ در قسمت خلفی جمجمه قرار گرفته و سه قسمت منقسم میشود يك قسمت کوچک در وسط و دو قسمت دیگر تقریباً بشکل دو نیمکره متساوی در طرفین آن قرار گرفته سطح خارجی این دو قسمت نیمکره‌ی مثل مخ پیچیدگیها و تلفیف زیادی دارد .

مخّیح - مرکب است از دو ماده یکی ماده سفید مرکزی دیگری ماده خاکستری رنگ که توده سفید را احاطه کرده - ماده سفید مرکزی بترتیب مخصوص داخل ماده خاکستری گردیده و با هم آمیخته سَجَرَة الحیاة یا درخت زندگانی را در آنجا تشکیل داده است

وظیفه مخّیح فقط مرتب نگهداشتن عمل و حرکات جسمیه بدن می باشد مخّیح در حقیقت وزیر و خادم مخ میباشد مخ باید فرمان نفسی را صادر نماید و مخّیح آن را مرتباً اجرا کنند .

اگر مخّیح حیوانی را بر داریم حرکت ارادی آن بواسطه تحریک عضلات باقی خواهد بود و لکن راه رفتن یا پرواز کردن برای آن مشکل است زیرا که موازنه اعمال جسمیه را نمی تواند حفظ نماید و تنظیم کند و پر واضح است تا اینکه حرکات بدنیه در تحت نظم مخصوص صادر نشود عمل عضو صورت پذیر نخواهد شد بلی قوه احساس با نبودن مخّیح سر جای خود باقی خواهد بود

اگر بعضی اجزاء مخّیح معیوب و ناقص شود بهمان اندازه تعادل

و نظم حرکات بدنیه مفقود خواهد شد اگر قسمت جلوی مخیخ را بر دارند حیوان در پرواز یا راه رفتن بی اختیار بجلو می افتد و اگر قسمت خلفی آن را بر دارند بعکس بی اختیار بعقب سر میل میکنند و حرکت‌هایی شبیه حرکات آدم مست از او سر می زند .

وزن متعارف مخیخ در انسان بزرگ تقریباً (۲۳) یا (۲۸) مثقال است باختلاف وزن مخ زیرا که وزن مخ بطوریکه ذکر شده (۲۳۱) مثقال تخمین شده تا (۲۶۱) مثقال و وزن مخیخ نسبت به مخ هشت يك يا هفت يك ($\frac{1}{7}$ یا $\frac{1}{8}$) تخمین میشود مخیخ در حیوان کمتر از انسان است در انسان هم در نوزادگان کوچکتر و کمتر است هر چه شخص بزرگ میشود بهمان نسبت مخیخ هم بزرگ میشود .

بصل النخاع - همان امتداد نخاع است که وارد جمجمه شده و در آنجا قدری بزرگ تر و ضخیم کشته و بعضی تغییراتی پیدا کرده است در قسمت تحتانی بصل النخاع اعصابی میروید که بقلنا ورنهین متصل میشود و باین جهت اگر علتی و ضفطه بان نقطه وارد گردد بطوریکه آن اعصاب معیوب یا بی روح شود بهمان اندازه زندگانی از جریان خود باز می ماند که اگر آن اعصاب بکلی بی روح شود لباس حیوة فوراً از آن بدن انسان باشد یا حیوان سلب میشود زیرا که قلب از حرکت ساقط میشود .

بصل النخاع از دو ماده سفید و خاکستری رنگ تشکیل میشود ولیکن در اینجا بعکس مخ و مخیخ ماده خاکستری در مرکز و ماده سفید آن را احاطه کرده است اعضائیکه از نخاع بدماغ متصل میشود و از دماغ به نخاع میروند در بصل النخاع بهم میرسند ولیکن بشکل تقاطع .

اعصابیکه از طرف چپ بدن خارج شده بطرف راست نیم کره
منح می‌رود و اعصابیکه از طرف چپ بدن خارج شده بطرف راست نیم
کره منح می‌رود بنابراین بصل النخاع در حقیقت واسطه می‌باشد بین نخاع
و منخ و مخیخ و اینها را بهم‌دیگر مرتبط مینماید .

عمل بصل النخاع منظم نگهداشتن حرکات قلب در سیر و گردش
خون و حرکات ربتین در اعمال تنفس و معده در اعمال هضم می‌باشد
و بواسطه اینکه بصل النخاع مرکز اعصاب تنفس می‌باشد اگر بواسطه
عارضه ادنی سکونی در آن تولید بشود فوراً ربتین در عمل تنفس عاجز
و بلافاصله مستتبع سلب حیات خواهد بود .

آئینه اخلاق

مجوی عزلت و بانیک و بد همی آمیز
که مردم آینه مردم است در هر حال
از آن خصال که در خویشتن نهان داری
همیشه با بی در طبع دیگران تمثال
چو آزیاه مشوکا ندر آینه رخ خویش
بدید و بشکست آئینه را ز شرم جمال

رشید یاسمی